

بیداری فلسطینی های اسرائیل

نویسنده: میشل بل ریشار

لوموند ۱۷ مه ۲۰۰۸ - ترجمه تراب حق شناس

یادداشت مترجم:

در شصتمین سالگرد برپایی دولت اسرائیل، مردم فلسطین شصتمین سالگرد "النکبة" (فاجعه از دست رفتن فلسطین)، و شصتمین سالگرد مقاومت و مبارزه عادلانه خود را برپا میدارند. اساس جنبش صهیونیستی این بود که برای نجات یهودیان اروپا از یهودستیزی باید در فلسطین دولتی یهودی برپا شود زیرا فلسطین "سرزمینی ست بدون مردم" و باید به "مردمی بدون سرزمین، یعنی یهودیان" داده شود. اسرائیل پس از ۵۰ سال که از این تصمیم گذشت (یعنی از ۱۸۹۸ تا ۱۹۴۸) با تمهیدات و همکاری کامل و همه جانبه قدرتهای سرمایه داری و امپریالیستی به وجود آمد. این نه آغاز ماجرا، بلکه پایان یک مرحله از آن بود. واقعیت این ماجرا را در هرجای رسمی، از سازمان ملل متحد تا کتاب های درسی اسرائیل و نیز کل فرهنگ و آموزش در کشورهای غربی و بلوک شرق وارونه نشان دادند و حق فلسطینی ها زیرپا گذارند. گاه برحسب ضرورت های سیاسی، در حرف، به حق ضایع شده فلسطینی ها و آوارگی ۷۷۰ هزار نفر از آنان اشاره ای کردند ولی در عمل جز به سود متجاوز گامی برداشته نشد. اسرائیل را دموکراتیک خواندند با اینکه همه می دانند که این "کشور نه قانون اساسی دارد، نه مرزهای مشخص؛ و اینکه اسرائیل دولتی یهودی ست و قوانین مذهبی در آن دست بالا را دارد. ازدواج یهودی با غیریهودی امکان ندارد، مراسم مذهبی روز شنبه همه جا اجباری ست حتی در هواپیمای العال. اگر همین امروز چندین حزب آشکارا یهودی بنیادگرا و فاشیست از دولت کناره گیری کنند، دولت اسرائیل سقوط میکند. قدرت خاخام ها در ارتش رو به افزایش است و اگر دعای دستجمعی و مناجات سربازان اسرائیلی در فاصله یک آتش بس را ببیند مناجات حزب الهی ها در جبهه به نظرتان ناچیز مآید. کمتر دروغی بزرگتر از دموکراتیک بودن کشوری ست که به گفته ماکسیم رودنسون، خود واقعیت و رویدادی استعماری ست (*Un fait colonial*) و بر ویرانه موجودیت و سرکوب مستمر ملتی دیگر بنا شده است.

باری، از برکت و به اعتبار مبارزه مستمر و همه جانبه مردم فلسطین امروز وجدان های بیدار در اسرائیل به سخن درآمده اند و مورخین جدید اسرائیلی آشکارا از غصب سرزمین فلسطین به زور، و از اخراج اهالی آن طبق نقشه ای که از سالها پیش تعیین شده بوده و تا همین اواخر یعنی تا ۵۰ سال سری نگاه داشته شده بوده سخن مگویند.

ما علاقه مندان به مطالعه درباره این قضیه عادلانه، سیاسی و انسانی را به مطالعه آثار مورخین جدید اسرائیلی فرا میخوانیم. اگر روی گوگل فقط عبارت "مورخین جدید" را به یکی از زبان های رسمی از جمله به انگلیسی (*New historians*) جستجو کنید، به حقایق فراوانی درباره تاریخ اسرائیل دست خواهید یافت. به خصوص آثار ایلان پاپه (*Ilan Pappé*) و شلومو ساند (*Shlomo Sand*) هر دو استاد دانشگاه اسرائیل.

آنچه در زیر مآید گوشه ای ست از واقعیت اسرائیل و فلسطین که از لوموند ۱۷ مه به فارسی ترجمه شده است. (مه ۲۰۰۸)

هر سال، روز ۳۰ مارس، کسانی که به آنها اعراب اسرائیلی یا فلسطینی های اسرائیل مگویند به مناسبت "روز زمین" به تظاهرات خیابانی دست می زنند. ۳۲ سال است که آنها چنین می کنند، یعنی از سال ۱۹۷۶ که ۶ نفر از آنان در اعتراض به مصادره زمینهایشان توسط دولت یهود (*Etat juif*) در تیراندازی نیروهای اسرائیلی کشته شدند. در سالهای اخیر دامنه این تظاهرات و مطالبات آن گسترش

بیشتری یافته و جمعیت فراوانتری را به سوی خود جلب میکند.

امسال، آنها تصمیم گرفتند شهر قدیمی عربی یافا (Jaffa) را که نزدیک تلویو قرار دارد به صورت پل ارتباطی تظاهرات درآورند. پانصد خانواده از محله عجمی (Ajami) به اخراج از خانه هاشان تهدید شده اند و علت آن، عدم رعایت بهداشت و خانه سازی غیر قانونی اعلام شده است. جمال زحالقه، رهبر حزب عربی "بلد" (و نماینده پارلمان اسرائیل) میگوید: "شصت سال پیش، اعراب را دستجمعی از یافا اخراج کردند. چنین چیزی دیگر هرگز تکرار نخواهد شد."

فلسطینیهای اسرائیل، چه مسلمان و چه مسیحی، امروز سربلند کرده اند. آنها تصمیم گرفته اند دست روی دست نگذارند، حقوق خود را مطالبه کنند و برای کسب آن به مبارزه ادامه دهند. آنان به نیروی خویش آگاهی دارند و هرچه متشکلاتر میشوند. شمار آنان هم اکنون یک میلیون و نیم نفر است، یعنی ۲۰ درصد جمعیت اسرائیل. از سال ۱۹۴۸ که دولت اسرائیل تشکیل شده، آنها به لحاظ نظری شهروند کامل اسرائیل محسوب میشوند. در آن زمان تعدادشان ۱۶۰ هزار نفر بود. [اما باید گفت] که در همان سال، ۷۷۰ هزار نفر از هممیهنانشان از خانههایشان اخراج شده، به کشورهای همسایه یا به سرزمینهای اشغالی [بعدهی، یعنی ساحل غربی و غزه] گریخته و به امید بازگشت به شهرها و روستاهایشان، کلید خانههایشان را هم نگه داشته بودند. اما روستاها با بولدوزر صاف شده، خانهها اشغال، و مزارع مصادره گردیده بود.

یوسف جبارین، استاد دانشگاه حیفا و مؤسس کانون عربی قانون و سیاست، در گفتگو با خبرنگار ما در ام الفحم میگوید: "شصت درصد از مین های ما در سال ۱۹۴۸ مصادره شد. این حرکت ادامه یافته، به طوری که امروز به سختی میتوان گفت که ۳ و نیم درصد از سرزمین اسرائیل به ما تعلق دارد. دیگر برای ما چیزی نمانده که از ما بگیرند. این است که مراتع چادرنشینان صحرای نقب را مصادره میکنند. باید اضافه کنم که نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر از ما [فلسطینی های اسرائیل] پناهندگان داخلی هستند، یعنی به دلیل اینکه روستاهایشان ویران شده از آنجا کوچ کرده اند ولی مجاز نیستند به خانههایشان بازگردند. اینها را "غایبان حاضر" (به انگلیسی present absents) می نامند.

برای مثال، در اکتبر ۱۹۴۸، اهالی روستای بیرام واقع در جلیل علیا با جمعیتی در حدود هزار نفر از دهقانان مسیحی از خانههایشان اخراج شدند. اسرائیلیها به آنان قول دادند که پس از جنگ میتوانند به خانههایشان بازگردند. چنین نشد. آنها به دادگاه شکایتهای فراوان کردند. هرچند دادگاه حق را به دهقانان داد، ولی نظامیان از بازگشت آنان جلوگیری کردند و در سپتامبر ۱۹۵۳ روستا بمباران شد. حتی امروز هم ممکن نیست بتوان ویرانه ها را بازسازی کرد. کل اهالی عرب که در محدوده دولت اسرائیل باقی مانده اند تا سال ۱۹۵۶ زیر فرمان حکومت نظامی قرار داشتند با همهء محدودیت هایی که این امر می تواند برای اهالی به دنبال آورد. یوسف جبارین با اعتراض میگوید: "امکان نداشت بتوان از دهکده ای به دهکده دیگر رفت. مدت ۱۸ سال ما عاطل و باطل ماندیم و هنوز انتظار میکشیم خسارتهایی را که به ما وارد شده جبران گردد."

ام الفحم درکنار ناصره (Nazarette) مهمترین شهر عربی اسرائیل است. از زمانی که اهالی این شهر روابط همبستگی خود را با برادران فلسطینی شان در ساحل غربی تقویت کرده اند، این شهر به صورت نوک پیکان نارضایتی و اعتراض فلسطینی های اسرائیل درآمده است. ابتدا انتفاضهء دوم بود و سپس ساختن دیوار [موسوم به دیوار امنیتی، دیوار جداسازی (۱)] که به خصوص در این ناحیه به قلمرو دولت آیندهء فلسطین آشکارا تجاوز کرده و سپس قانون مورخ ۲۰۰۳ که نزدیک شدن خانواده های فلسطینی اسرائیل را با فلسطینی های ساحل غربی ممنوع می کند، بدین منظور که جمعیت عرب در درون دولت یهودی افزایش نیابد. معافیت مطلق از مجازات که دادگاه برای افرادی از پلیس قائل

شد که ۱۳ تن از فلسطینی های اسرائیل را در سال ۲۰۰۰ در جریان یک تظاهرات مسالمت آمیز در دفاع از قربانیان انتفاضه کشته بودند کاتالیزوری بود برای بیداری فلسطینی های اسرائیل.

این حکم دادگاه که به عنوان امری ضدعدالت تلقی شده سطح آگاهی ها را بالا برده است. ممدوح اغباریه، رئیس اتحادیه دانشجویان عرب میگوید: "اعراب اسرائیل شهروندان درجه دوم اند. پس از آن تظاهرات (سال ۲۰۰۰)، ۲۹ تن دیگر از فلسطینی های اسرائیل کشته شده اند و هرگز حتی یک مورد سراغ نداریم که پلیس محکوم شده باشد. این به خوبی نشان میدهد که دولت اسرائیل چه نگاهی به ما دارد".

یک دانشجوی اهل حیفا که در ام الفحم اقامت دارد میگوید: "زمانه ای که در آن اعراب فرودست و مطیع باشند بسر رسیده است. پدران ما جرأت نمیکردند صدایشان را بلند کنند. رهبران سابق ما در برابر اشغال جیک نزدند. همه اینها دیگر متمم شده است. ما میخواهیم به تبعیض و جدائی، به سرکوب، به تبعیض نژادی پایان دهیم. ما خواستار برابری حقوق و فرصت های برابر هستیم. ما میخواهیم نسلی باشیم که به خود اعتماد دارد. ما با دولت اسرائیل به عنوان یک دولت یهودی مخالفیم، زیرا یهودی بودن دولت با دموکراتیک بودن در تناقض است. دموکراسی یعنی برای همه مردم". دانشجویانی که در محوطه آفتابی دانشگاه دور او گردآمده اند سخنانش را تأیید میکنند. برخی از آنان مصادره زمینها را "بزرگترین دزدی تاریخ" توصیف میکنند. احمد از تبعیض موجود در درون دانشگاه و امتیازاتی که به غیراعراب داده میشود خشمگین است.

از نظر اسد غانم، استاد علوم سیاسی، دانشجویان دیگر چیزی را که به تعبیر او "یک رژیم قومسالار" (Ethnocratique) است تحمل نمکنند. "در این رژیم تنها یک قوم کنترل امور را در دست دارد زیرا خود را برتر از دیگران میپندارد. تحقیر و نابودی دیگران بخشی از روش زندگی صهیونیستی است". از نظر این استاد "چنین وضعیتی دیگر نمیتواند ادامه یابد، زیرا زندگی ما را فلاکتبار میکند و زندگی خودشان را فلاکتبارتر. آنها همواره در ترس بسر میبرند. این نتیجه وضعی است که بر سر فلسطینی ها درآورده اند. اینها همه خطرناک اند و نابودکننده خویش. باید کشور را صهیونیسم زدایی و استعمارزدایی کرد که به سود همگان است". اسد غانم خواستار بایکوت انتخابات اخیر بود، زیرا همین که بتوان رأی داد به اسرائیل امکان میدهد که از دموکراسی دم بزنند، درحالی که انتخابات چیزی جز یک نیرنگ نیست.

طی ماههای اخیر مواردی از پرتاب سنگ [به سوی اتومبیلهای اسرائیلی] در جادههای جلیل [گالیله] و در دشت ساحلی وجود داشته و نگرانی نیروهای امنیتی را فراگرفته است. یک سال پیش شین بت (سازمان امنیت داخلی اسرائیل) هشدار داده بود که "رادیکالیسم در بین اعراب اسرائیل رو به تشدید و گسترش است" و به تعبیر روزنامه پرخواننده معاریو میتواند در میانمدت به "تهدیدی استراتژیک" تبدیل شود. آیا یک انتفاضه در داخل اسرائیل نطفه میندود؟ دانشجویان حیفا برای عملیات پرتاب سنگ برد چندان قائل نیستند، به خصوص که خودشان، همگی، راه و روش غیرخشونت آمیز را میپسندند. ممدوح اغباریه بدین نحو از نظر خود دفاع میکند: "ما دموکراتیم. ما تروریست نیستیم. ما میخواهیم یهودیان را به دریا بریزیم. ما میخواهیم با هم زندگی کنیم و درباره آیندهمان باهم و بر اساس برابری با یکدیگر تصمیم بگیریم".

سازمانهای فراوان و متنوعی در ده سال اخیر پا گرفته که از حقوق فلسطینیها در اسرائیل دفاع میکنند و خواستار پایان تبعیض هستند. نفوذ این جنبشها روزافزون است آنها خواستار لغو قوانین تبعیض آمیزی هستند که خرید زمین را از یهودیان برای اعراب ممنوع میکند. همین طور استخدام اعراب در نهادهای دولتی که عملاً ممنوع است. آنها خواستار سهم مساوی از خزانه دولتی و سوبسید

(یارانه) هستند. در حال حاضر، کسانی که خدمت نظام را انجام داده باشند و تنها به همین دلیل می‌توانند از امتیازات فوق برخوردار باشند.

یک سیاست تبعیض مثبت [به سود کسانی که بی بهره بوده اند برقرار شده] ولی نتیجه ای در راه نیست و شکاف بین یهودیان و اعراب هرچه بیشتر میشود. ژاک بندولاک، دکتر در اقتصاد تأیید میکند که: "برای اعراب [اسرائیلی] هیچ بودجه ای وجود ندارد، هیچ طرح زیربنائی و هیچ امتیاز مالیاتی درکار نیست. اعراب سالها تحت حکومت نظامی قرار داشتند و حالا هم به حال خود رها شده اند". ۸/۵۴ درصد از فلسطینی های اسرائیل در زیر خط فقر بسر میبرند (در سال ۲۰۰۳ این رقم ۳/۴۸ درصد بود)، در حالی که نسبت یهودیانی که در چنین وضعی بسر میبرند ۲۰،۳ درصد است. نرخ بیکاری آنان هم چهار رقم بیشتر از یهودیان است. فلسطینیهای اسرائیل در رشد اقتصادی سه سال گذشته که بیش از ۵ درصد بوده به حال خود رها شده اند.

احمد حجازی، یک فلسطینی اسرائیلی که مدیر توسعه [اقتصادی و...] مجموعه ای متشکل از ۵۵ خانوار (۲۵۰ نفر) است که نیمی از آنان عرب و نیمی دیگر یهودی هستند و "واحه صلح" نام دارد خاطر نشان میکند: "کاملاً روشن است که اسرائیل نمخواهد همه افراد کشور برابر با یکدیگر به شمار روند. به منظور آنکه خصلت یهودی کشور حفظ شود شمار آئین نامههای تبعیضآمیز رو به افزایش است و گفتگو هرچه دشوارتر میشود. هر بار که پیشنهادهایی ارائه میدهیم ما را متهم میکنند که ستون پنجم دشمن ایم و میخواهیم اساس دولت را برهم بزنیم".

این روستا که در کنار لاترون واقع شده تنها نمونه همزیستی بین دو جامعه فلسطینی و یهودی است. از نظر احمد حجازی "این یک نمونه، یک سرمشق است که ثابت میکند ما میتوانیم باهم زندگی کنیم و در عین حال، شکلی ست از اعتراض علیه سیاست تبعیضآمیز دولت". به گمان وی، تنها راه حل، ایجاد یک دولت دومی است که هرکدام هویت خاص خودشان را نگه دارند.

در اوضاع کنونی، زمان حقیقتاً مناسب در آغوش کشیدن یکدیگر نیست. ۶۴ درصد یهودیان اسرائیل هرگز پا به بخش عرب نشین نمگذارند و ۷۵ درصد موافق اخراج و کوچ دادن آنها به ساحل غربی هستند. در کنست (پارلمان) درگیری بین نمایندگان عرب و نمایندگان جناح راست هرچه بیشتر شده است. انی اتام، نماینده ناسیونالیست و مذهبی اعلام کرده است: "روزی خواهد رسید که ما شما را از این ساختمان [مجلس] و از سرزمین مردم یهود بیرون خواهیم کرد". اویگدور لیبرمن، نماینده دیگر پارلمان و ناسیونالیست، همتای عرب خود احمد طیبی را "تروریست" خطاب میکند و طیبی به او جواب میدهد "تو مهاجری فاشیست هستی که به سرزمینی آمده ای که به تو تعلق ندارد". در نظر آقای لیبرمن شکی نیست که "اعراب از دموکراسی سوء استفاده میکنند".

(منتشر شده در آرش شماره ۱۰۱)

۱- طول این دیوار ۷۳۰ کیلومتر و ارتفاع ۸ تا ۹ متر است که بخش اعظم مستعمرات اسرائیلی را دربر میگیرد. این دیوار بخش های وسیع تری از سرزمینی را که قرار بوده در آن دولت فلسطین تشکیل شود به سود اسرائیل مصادره می کند. محاصره فلسطینی ها را تنگتر می کند و حیات روزانه آنان را با اختلال جدی مواجه مسازد. دادگاه بین المللی لاهه کشیدن این دیوار را غیرقانونی دانسته که بر اساس آن باید ویران شود ولی اسرائیل به این حکم توجهی ندارد. برای اطلاع بیشتر رک. از جمله به:

www.peykarandeesh.org/old/felestin/fel.pdf/Divare-Nang.pdf

www.peykarandeesh.org

انتشارات اندیشه و پیکار